



دست و پا
دست و پا

دست و پا
دست و پا

« به راه افتاد در ۱۳ شهریور ۱۳۹۵ »

dastopaa.net
contact@dastopaa.net

دست و پا —
هم اسم: یک دست و یک پا: دو اندام قلمرو زودوده در روند تکامل
هم صفت: بی دست و پا: کسر امکان‌ها در جهت یک شل شدن ناممکن
هم فعل: دست و پا زدن: موقعیت، یا مرز غرق شدن و غرق نشدن

دست: صداها، خطسیرها، رویاها، جبهه‌ی جنگ، در خودش یک هزار یا
پا: مصالح، پتانسیل‌ها، انبار باروت، پشت جبهه، در خودش یک هزار دست

دست «و» پا —
عطف دو جریان رمز زودوده
مداخله در جهان تاریخ و نه تاریخ جهان
بدن آمیزی لموری بیرون زمان

دست: دستکاری، همدستی، دست اندازی، دستگیره، چشم‌دست، دستیاری
پا: پا جای پا گذاشتن، پا از گلیم بیرون آوردن، پا پس نکشیدن، پا انداختن

«دست و پا» —
تو آمان نا کجا آباد و این جا اکنون، یک کجانا باد آخر الزمانی، قیامت امروز
استتار کرده، نوشته، رمز زودوده، متفاوت توزیع شده، چهره زودوده، از زمین کنده شده
جادوی سیاه هذیان‌های زمین تاریخی در جهت بی‌جاده‌ی قصه بافی

دست و پا —
موجودیت‌های ساییده و ساییده شده‌ی یک اتمسفر فلزی سیاه
نابودی باورها، فاکت‌ها، جفت‌های صدق و کذب، مدل و کپی
بیگانه‌ها، غریبه‌ها، آدم فضایی‌ها، خارجی‌ها، خنوها، ناسان‌ها
مأموران مخفی دسته‌های زیرزمینی سازمان‌های فرازمینی خود آئین
حشاشین آبی، رویابین‌ها، فضا نورد‌ها، هذیان زده‌ها، هنرمندان فرار
فرهنگ‌های سایبرنتیک بدنام، کوچگر، حاد خرافه‌ای، عددی، مخفی، رمزنگاشتی
ناپهنجاری زمانی، فروپاشی زبانی، گسست تقویمی، غریبه‌گفتاری ضدبابلی

صحراهای از زمین جدا شده، سوراخ سوراخ، نابه جاشده، متروک، زخم خورده
هیولاهای چندرگه، سرد، گنگ رفتار، شهر خور، درک ناپذیر، و کزریخت جنگل
سرویس های جاسوسی بینا ستاره ای، سیاه چاله ای، فرامنظومه ای
نیستی تاریک ماده ای پست، ضد کربنی، عفونت زا، مسری، زنا نه، اهریمنی
خروجی های عظیم یک ورطه ی کیهانی و در روهای سیلیکونی غرق کننده
بی نامی جادوگران پرنده، وردها، طلسم ها، و جاروهای سحر آمیز کیمیاگری
حرکت فوج وار و موج دار از سرخی کامل به سفیدی محض به سیاهی مطلق
لجستیک بی رحم نازندگی و شتاب دادن به فرایندهای پوسیدن چینه ها
در کژراهه های گشودگی مسری، شدن واگیردار و واگیردار شدن، قصابی کردن و قصابی شدن
مرگ درمانی، حرکت از مرده سالاری به مرده دوستی، مرگ نطفه ای، فضای فیلیا
ماشین جنگ دیوانه ی ضد انجماد و نرم کردن هذیانی استبداد
مه بختک یک جو غیر تاریخی و نسیان زده در اصطکاک با وضعیت تاریخ زده و اکنون زده
سرعت دادن به ماشینسیم ادراکی عاطفی ساخت هوش مشترک و تعقل همگانی
کورتاژ جمعی ضمیر نا آگاه در فن سرمایه داری نشانه ای معاصر
مبارزه ی مجازیت بی واسطه ی واقعی علیه واقعیت وساطت شده ی مجازی
راه اندازی موتور پارانوای زمان شیدایی روی نقشه ی مولکولی شیزوتراتزی
علیه هویت، شخصیت، اقتدار، توحید، یکپارچگی، فردیت، خودیت، چهره
به جانب ناشناس شدن، نام ناپذیری، حساسیت سرحدی، تکینگی آستانه ای، اجتماع مخفی
از جامد به مایع به گاز، تا تبخیر شدن های کنترل ناپذیر نا انسانی سرد

«دست و پا»
یک دعوت

